

اعتبارسنجی ادعیه طلب باران-

□ مهدی مردانی (گلستانی)^۱

چکیده

سنجش و ارزیابی اعتبار احادیث یکی از مسائل مهم در مطالعات حدیثی است که پیش از بررسی‌های فقه‌الحدیثی مد نظر قرار می‌گیرد و از راستی و درستی احادیث معصومان علیهم‌السلام سخن می‌گوید. یکی از متونی که نیازمند اعتبارسنجی است و تاکنون نیز چنین فعالیتی درباره آن رخ نداده است، ادعیه طلب باران است که به دلیل شرایط زمانی و نیاز جامعه ایمانی از اهمیت و اولویت برخوردار است. از این رو، مقاله حاضر کوشیده است تا بر اساس سه مؤلفه مصدر، سند و متن به اعتبارسنجی این احادیث پردازد و صدور و اصالت آنها را بسنجد. نتیجه بررسی یاد شده نشان می‌دهد که در میان شمار فراوان ادعیه منقول در مصادر شیعه، پنج متن از اعتبار بیشتری برخوردار است و جزو ادعیه معتبر و اصیل اهل بیت علیهم‌السلام محسوب می‌گردد. قدمت و شهرت مصادر ادعیه و نیز اصالت و سلامت تاریخی متن آنها از مهم‌ترین قرائن این ارزش‌گذاری است.

واژگان کلیدی: ارزیابی، دعاها، مأثور، دعای طلب باران، نماز استسقاء.

مقدمه

دعا، کلید گنجینه عظیم باری تعالی و خزینه ملکوت دو سراسر است که در اختیار بندگان قرار گرفته تا هر زمان که بخواهند درهای رحمت خدا را با خواستن و طلب کردن به روی خود بکشایند (سید رضی، ۱۴۱۴: نامه ۳۱).

دعا و درخواست از خدا، حد و مرزی ندارد و هر کس از هر قوم و نژاد، با هر گویش و زبان، می‌تواند خواسته‌های خود را با خدای خود واگویه کند؛ اما خوش‌تر آن است که این خواستن و طلب کردن با الفاظ و ادبیاتی صورت گیرد که از سوی معصوم علیه السلام صادر شده و واژگان آن توسط انسان کامل، انشاء شده باشد. در این صورت، جملاتی که انسان با خدای خود در میان می‌گذارد، سخن معصوم علیه السلام محسوب می‌شود و از شرافت و اهمیت دو چندان برخوردار می‌گردد.^۱

بر این اساس، ادعیه مؤثر در کنار کارکرد معنوی و تأثیر در تعالی حیات بشری، در تبیین معارف دینی و تعمیق مطالعات اسلامی نیز نقش ایفا می‌کنند و به‌عنوان صحیفه‌ای الهی و قرآن صاعد شناخته می‌شوند.^۲

داشتن نگاه حدیثی به دعا، اقتضائات و ملازماتی دارد که تفصیل آن در دانش حدیث طرح و تبیین شده است (معارف و شفیع، ۱۳۹۴). یکی از این ملاحظات، اعتبارسنجی متون منسوب به معصوم علیه السلام است؛ چه، سنجش صدور و اصالت متون

۱. چنان‌که علامه حسن‌زاده آملی در این باره می‌نویسد: «ادعیه [معصومین علیهم السلام]، هر یک مقامی از مقامات انشایی و علمی ائمه دین است. لطایف شوقی و عرفانی و مقامات ذوقی و شهودی که در ادعیه نهفته‌اند، در روایات وجود ندارند و دیده نمی‌شوند؛ زیرا در روایات مخاطب مردم‌اند و با آنان محاورت داشتند و به فراخور عقل و فهم و ادراک و معرفت آنان با آنان تکلم می‌کردند و سخن می‌گفتند نه به کنه عقل خودشان... اما در ادعیه و مناجات‌ها به کنه عقل خودشان مناجات و دعا داشتند» (حسن‌زاده آملی، ۱۳۹۰: ۳۱).

۲. «قرآن صاعد» تعبیری است که امام خمینی رحمه الله نسبت به ادعیه معصومین علیهم السلام به کار برده‌اند. ایشان به نقل از استاد خویش، آیت الله شاه‌آبادی رحمه الله گفته‌اند: «بعضی از مشایخ ما می‌فرمودند: «قرآن، قرآن نازل است، آمده است به طرف پایین، و دعا از پایین به بالا می‌رود، این قرآن صاعد است» (خمینی، ۱۳۷۸: ۱۳/۳۱).

حدیثی، یکی از نیازهای پژوهشی است که می‌بایست متناسب با اولویت‌ها و هماهنگ با دانش‌های روز انجام شود. به واقع، اعتبارسنجی متون حدیثی یکی از مقدمات لازم در مطالعات اسلامی است که پیش از بررسی‌های فقه الحدیثی صورت می‌گیرد و از راستی یا ناراستی انتساب آنها به معصوم علیه السلام سخن می‌گوید. چراکه تأملات و مطالعات انجام گرفته درباره متون حدیثی، زمانی ارزشمند خواهد بود که صدور آنها از سوی اهل بیت علیهم السلام احراز گردد و معصومانه بودن متون منسوب اثبات شود.

یکی از متونی که نیازمند بررسی و ارزیابی حدیثی است، ادعیه طلب باران است که به دلیل شرایط زمانی و نیاز جامعه ایمانی، از اهمیت و اولویت در پژوهش برخوردار گشته است؛ چراکه گردش ایام و قرارگرفتن مخاطب امروز در زمانه‌ای که با امساک آسمان روبه‌رو شده است (دوستان، ۱۳۹۴: ۱-۱۸)، او را بر این داشته تا از امدادهای غیبی مدد گیرد و دست نیاز به درگاه خداوند دراز کند و از درگاه پر فیض او درخواست باران نماید. از این رو شایسته است تا با بهره‌گیری از دو دانش رجال و تخریج^۱ نسبت به اعتبارسنجی این دست از متون، اقدام نماییم و صدور و اصالت آنها را سنجیده، بررسی نماییم. شایان ذکر است که دامنه بررسی در این تحقیق، تنها مصادر شیعی بوده است و ارزیابی ادعیه منقول در مصادر اهل سنت به تحقیقی دیگر وانهاد شده است.

مفاهیم تحقیقی

منظور از اعتبارسنجی در این تحقیق، بررسی دو ویژگی مهم حدیثی است؛ یکی اثبات صدور دعا از معصوم علیه السلام و دیگری احراز اصالت آن. در حقیقت این عنوان، در صدد پاسخ به دو پرسش مهم است: آیا متنی که در دست داریم، حدیث است؟ و آیا متن حدیث، همین عبارت است؟ یافتن پاسخ پرسش نخست، موجب اطمینان نسبی به حدیث می‌شود و دستیابی به پاسخ دوم، ما را از کژفهمی و ناهمپی حاصل از تصحیف و تحریف، مصون می‌دارد. منظور از صدور، راستی و صحت نقل از معصوم علیه السلام است

۱. «تخریج» اصطلاحی در علم حدیث است که به معنای آوردن حدیث در کتب حدیثی و نیز راهنمایی به

موضع حدیث در مصادر اصلی آمده است (معارف، ۱۳۹۳: ۶/۳۴۴).

که انتساب دعا به معصوم علیه السلام را بررسی می‌کند و مقصود از اصالت، درستی و سلامت متون ادعیه است که کاستی یا افزونی احتمالی آنها را می‌سنجد. در این خصوص، از دو روش سندی و مصدري برای اثبات صدور دعا، و از روش متنی برای احراز اصالت آن بهره برده شده است.

پیشینه تحقیق

درباره ادعیه طلب باران آثاری چند تألیف شده است که اکثراً به دلیل برخی آسیب‌ها و رخنه‌های پژوهشی نیازمند ترمیم و بازنگری است. فقدان جامعیت، نقل متون نامربوط، تداخل برخی متون هم‌مضمون و عدم اعتبارسنجی از مهم‌ترین آنهاست. یکی از این آثار، کتاب **کنز الدعاء** تألیف محمد محمدی ری‌شهری است که در فصل هشتم و در ذیل عنوان «دعوات لحوائج خاصه»، بابی را به ادعیه طلب باران اختصاص داده است. این مجموعه اگرچه به جهت انضباط در نقل و توجه به مصادر کهن از امتیاز نسبی برخوردار است؛ اما به دلیل وجود برخی از کاستی‌های یادشده از اتقان لازم بهره‌مند نیست. علاوه بر آنکه برخی از متونی که به عنوان دعای طلب باران نقل شده است اساساً ارتباطی به موضوع طلب باران ندارد (محمدی ری‌شهری، ۱۴۳۴: ۴۶۰/۱)، و برخی از ادعیه منقول نیز فاقد متن دعاست و تنها به گزارش رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله به هنگام دعا یا اقامه نماز استسقاء پرداخته است (همان، ۴۴۸). اثر دیگر، کتاب **موسوعة الأدعیه** نگاشته جواد قیومی اصفهانی است که توسط بنیاد پژوهش‌های اسلامی در شش جلد منتشر شده است.

این کتاب که بر اساس ادعیه منقول از معصومین علیهم السلام به چهارده صحیفه تقسیم شده است، به نقل برخی دعاها و معصومین برای طلب باران پرداخته است. مطالعه بخش ادعیه پیامبر صلی الله علیه و آله چنین نشان می‌دهد که جمعاً ۱۴ دعا از حضرت نقل شده است که شش دعای آن با کتاب **کنز الدعاء** تألیف محمد محمدی ری‌شهری مشترک است. در این میان برخی از متون جدید، اساساً دعای پیامبر صلی الله علیه و آله نبوده و دعای مردم محسوب می‌شود (قیومی اصفهانی، ۱۳۸۶: ۱/ ۲۰۱). البته درباره اعتبارسنجی برخی متون و کتب ادعیه، مقالاتی چند نگاشته شده است که هیچ‌کدام به ادعیه طلب باران عنایتی نداشته‌اند

(موسوی، ۱۴۰۰: ۳۳-۵۲؛ بستانی و خنشا، ۱۳۹۹: ۸۵-۱۰۷؛ غفوری نژاد، ۱۴۰۰: ۵۰-۶۷؛ فلاح و دیگران، ۱۳۹۹: ۸۰-۱۰۸).

مراحل تحقیق

اعتبارسنجی ادعیه طلب باران، یک پیش‌نیاز و سه مرحله داشته است. آنچه پیش از اعتبارسنجی ادعیه طلب باران مورد توجه بوده است، تهیه متون منتخب برای ارزیابی است. برای این منظور ابتدا کتاب **کنز الدعاء** (محمدری شهری، ۱۴۳۴)، به عنوان منبع پایه انتخاب گردید و ادعیه مرتبط با طلب باران، به کمک نرم‌افزارهای اسلامی تخریج و مصدريابی شد. آنگاه با شناسایی مصادر متقدم و نیز مقایسه متون مختلف، ادعیه مورد نظر تاریخ‌گذاری شده و در نهایت پنج متن کهن به عنوان متون اولیه انتخاب گردید. به واقع، مصدريابی، تاریخ‌گذاری و غربال‌گری سه فعالیتی بوده است که پیش از اعتبارسنجی ادعیه طلب باران صورت گرفت. اما آنچه حین اعتبارسنجی ادعیه، مورد توجه بوده است روش‌های سه‌گانه‌ای است که بر پایه سند، متن و منبع طراحی گردید و در ارزیابی متون دعا به کار گرفته شد.

۱- روش‌های اعتبارسنجی

سازه اعتبارسنجی ادعیه بر اساس هندسه اجزای حدیث پی‌ریزی گردیده است و بر پایه سه مؤلفه منبع، سند و متن بنا نهاده شده است. چه، ریشه بسیاری از آسیب‌های حدیثی به این سه عنصر اصلی باز می‌گردد و عمده روش‌های اعتبارسنجی بر مبنای این سه رکن طراحی شده است.

۱-۱- روش ناظر بر سند

یکی از روش‌هایی که می‌توان به کمک آن، اعتبار و راستی یک متن را سنجید، روش سند محور است. بر اساس این روش، اعتبار متون ادعیه بر مبنای وثاقت راویان سنجیده می‌شود و از طریق تأمل در احوال سلسله راویان و بررسی اتصال یا انقطاع زنجیره سند ارزیابی می‌گردد. طرف‌داران این روش معتقدند که تنها، خبر ثقه حجّت است و برای شناخت خبر ثقه از غیر ثقه باید راهکار رجالی و سندشناسی در پیش

گرفت. همچنین دستور ائمه علیهم‌السلام به بهره‌گیری از صفات راوی برای حل تعارض روایات (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۸/۱)، از دیگر دلایل آنان بر لزوم مراجعه به دانش رجال است (غلامعلی، ۱۳۹۵: ۳۸-۶۸).

۲-۱- روش ناظر بر منبع

یکی دیگر از روش‌های مطرح در اعتبارسنجی متون، روشی است که بر منابع مکتوب حدیثی تمرکز دارد و با ارزش‌گذاری آنها پی به اعتبار حدیث می‌برد. چه، تدوین و کتابت حدیث رایج‌ترین شیوه گزارش حدیث در میان اصحاب ائمه علیهم‌السلام بود (ابن طاووس، ۱۴۱۱: ۲۱۹ و ۲۲۰)، و پیوسته به‌عنوان یکی از معیارهای اعتبارسنجی روایات مورد استناد قرار می‌گرفت (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۳/۱)، بر اساس این روش، اعتبار احادیث بر پایه اعتبار منابع حدیثی سنجیده می‌شود و بر اساس دو ملاک قدمت و شهرت ارزش‌گذاری می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۶۳). منظور از قدمت، دیرینگی و سابقه کهن منابع است که معمولاً تا سال ۴۶۰ هجری قمری محاسبه می‌گردد و منظور از شهرت، شیوع و معروفیت آنهاست که با نقل حدیث در بیش از سه منبع قدیمی ارزیابی می‌شود.

۳-۱- روش ناظر بر متن

از دیگر روش‌های شناخته شده در اعتبارسنجی احادیث، روش متن‌محور است که در دو ساحت لفظ و معنا به ارزیابی متون می‌پردازد. در این روش بر ویژگی‌های درون‌متنی و برون‌متنی حدیث تمرکز می‌شود و نشانه‌های وثاقت و اصالت حدیث استخراج می‌گردد. در این روش - که نسبت به دیگر روش‌های اعتبارسنجی گستره وسیع‌تری دارد و بسیاری از متون روایی را دربر می‌گیرد - بیشتر، ارزیابی اصالت و سلامت متون حدیثی مد نظر بوده است که بر اساس مؤلفه‌هایی مانند بررسی انسجام درونی متن و سنجش زیادت و نقصان آن، صورت گرفته است (پاکتچی، ۱۳۹۱: ۳۱).

۲-۱- دعای یکم

«مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ الْإِسْتِسْقَاءِ بَعْدَ الْجَدْبِ: اللَّهُمَّ اسْقِنَا الْغَيْثَ، وَانْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِغَيْثِكَ الْمُعْدِقِ، مِنْ السَّحَابِ الْمُنْسَاقِ لِنَبَاتِ أَرْضِكَ الْمَوْتِقِ فِي جَمِيعِ الْأَفَاقِ. وَامْنُنْ عَلَى عِبَادِكَ بِإِنْعَامِ الثَّمَرَةِ، وَأَحْيِ بِلَادَكَ بِبُلُوغِ الزَّهْرَةِ، وَأَشْهَدْ مَلَائِكَتَكَ الْكَرَامَ السَّفَرَةَ بِسَقَى مِنْكَ نَافِعٍ، دَائِمٍ غُزْرُهُ، وَاسِعٍ دَرْرُهُ، وَابِلٍ سَرِيعٍ عَاجِلٍ، تُحْيِي بِهِ مَا قَدْ مَاتَ، وَتَرْدُّ بِهِ مَا قَدْ فَاتَ، وَتُخْرِجُ بِهِ مَا هُوَ آتٍ، وَتَوْسَعُ بِهِ فِي الْأَقْوَابِ، سَحَاباً مُتْرَاكِماً هَنِيئاً مَرِيئاً طَبَقاً مُجَلْجَلاً، غَيْرَ مِلْثٍ وَدَقَّةٍ، وَلَا خُلْبٍ بَرْقَةٍ. اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَيْثاً مُغِيثاً مَرِيئاً مُمَرِّعاً عَرِيضاً وَاسِعاً غَزِيْراً، تَرْدُّ بِهِ النَّهِيضَ، وَتَجْبِرُ بِهِ الْمَهِيضَ. اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقِيَا تُسِيلُ مِنْهُ الطَّرَابَ، وَتَمْلَأُ مِنْهُ الْجِبَابَ، وَتُفَجِّرُ بِهِ الْأَنْهَارَ، وَتُنْبِتُ بِهِ الْأَشْجَارَ، وَتُرَخِّصُ بِهِ الْأَسْعَارَ فِي جَمِيعِ الْأَمْصَارِ، وَتَنْعَشُ بِهِ الْبَهَائِمَ وَالْحَلَقَ، وَتُكْمِلُ لَنَا بِهِ طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ، وَتُنْبِتُ لَنَا بِهِ الزَّرْعَ، وَتُدِيرُ بِهِ الصَّرْعَ، وَتَزِيدُنَا بِهِ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِنَا. اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْ ظِلَّهُ عَلَيْنَا سَمُوماً، وَلَا تَجْعَلْ بَرْدَهُ عَلَيْنَا حُسُوماً، وَلَا تَجْعَلْ صَوْبَهُ عَلَيْنَا رُجُوماً، وَلَا تَجْعَلْ مَاءَهُ عَلَيْنَا اجاباً. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنَا مِنْ بَرَكَاتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (دعای ۱۹).

بررسی مصادر دعای فوق چنین نشان می دهد که متن یاد شده در شش مصدر مهم شیعی گزارش شده است که دو مصدر از قرن چهارم هجری، دو مصدر از قرن پنجم، یک مصدر از قرن ششم و یک مصدر نیز از قرن دهم هجری بوده است.

کهن ترین مصدر دعا، کتاب الجعفریات نگاشته محمد بن اشعث کوفی (زنده در ۳۱۳ق) است که با دو واسطه از امام کاظم علیه السلام دعای صحیفه را روایت کرده است (ابن اشعث، بی تا: ۴۹)، پس از وی شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) در کتاب من لایحضره الفقیه به گزارش بخش هایی از دعای یاد شده پرداخته است (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۵۲۷/۱)، که شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) نیز همان گزارش را در دو کتاب تهذیب الاحکام و مصباح المتعجد نقل کرده است (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۵۱/۳؛ همو، ۱۴۱۱: ۵۲۷/۲)، فضل الله راوندی

(م ۵۷۰ق) در کتاب النوادر و ابراهیم کفعمی (م ۹۰۵ق) در کتاب المصباح نیز به نقل دعای امام علیه السلام پرداخته‌اند (راوندی، بی تا: ۱۶۲؛ کفعمی، ۱۴۰۵: ۴۱۷).

مصادر یاد شده اگرچه به جهت تاریخی پس از منبع مادر یعنی کتاب صحیفه سجادیه، قرار گرفته‌اند، اما قدمت و شهرت آنها نشان از اعتبار دعای یاد شده دارد؛ خصوصاً آنکه این گفت‌وگوی تاریخی ادامه پیدا کرده و این دعا بعدها توسط علامه مجلسی (م ۱۱۱۰ق)، در بحارالانوار و محدث نوری (م ۱۳۲۰ق)، در مستدرک الوسائل نیز گزارش شده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۸۸/۲۹۴؛ محدث نوری، ۱۴۰۸: ۱۷۹/۶). البته علی‌رغم وثاقت صدوری دعای صحیفه، این دعا به جهت انتساب محل اختلاف بوده است و برخی از مصادر مانند الجعفریات، من لایحضره الفقیه و تهذیب الاحکام آن را به امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت داده‌اند.^۱

بررسی سندی دعای یکم را از دو طریق می‌توان پی گرفت: یکی اسناد صحیفه سجادیه و دیگری اسناد دعای مورد نظر. طریق اول، اگرچه مورد اهتمام اندیشمندان شیعه بوده و حتی برخی از بزرگان نیز آن را متواتر خوانده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۰/۶۱)، اما به دلیل عدم فراوانی راویان در همه طبقات و انحصار راویان طبقه اول به یک پدر و پسر (متوکل بن هارون و عمیر بن متوکل)، معتبر شناخته نشده است (غلامعلی، ۱۳۹۲: ۳۲). اما طریق دوم به دلیل سند عالی برخی از مصادر و نیز وثاقت راویان آنها، قابل اعتماد شمرده می‌شود؛ چنان که محمد بن اشعث (صاحب کتاب الجعفریات) به سند خود از موسی بن اسماعیل، او از پدرش اسماعیل بن موسی و او از پدرش، موسی بن جعفر علیه السلام به نقل دعای یاد شده پرداخته است که همگی توسط بزرگان شیعه توثیق شده‌اند. چه، «محمد بن محمد بن اشعث» از اصحاب معروف امامیه بوده و توسط رجالین شیعه توثیق شده است (نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۷۹). «موسی بن اسماعیل» اگرچه به‌طور خاص توثیق نشده، اما به دلیل آنکه در موضوعاتی نظیر نماز، روزه و تفسیر

۱. البته برخی از مصادر (النوادر راوندی)، این دعا را به پیامبر صلی الله علیه و آله هم نسبت داده‌اند لکن با توجه به آن که منبع

راوندی در این دعا کتاب الجعفریات بوده و ابن اشعث آن را به امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت داده است، احتمال انتساب آن

به پیامبر صلی الله علیه و آله تضعیف می‌گردد.

صاحب کتاب بوده (نجاشی، ۱۴۱۶: ۴۱۰؛ شیخ طوسی، ۱۴۲۰: ۴۵۵)، و از مشایخ ابن قولویه در کتاب **کامل الزیارات** به شمار می‌رود، چهره‌ای موجه و مورد اعتماد دانسته شده است (عباسی زنجانی، ۱۴۳۶: ۲/ ۱۱۲۰).

«اسماعیل بن موسی» فرزند امام کاظم علیه السلام نیز به صورت خاص توثیق نشده (نجاشی، ۱۴۱۶: ۲۶؛ شیخ طوسی، ۱۴۲۰: ۲۶)، اما به دلیل برخی قراین، صاحب فضل و جلالت معرفی شده است (امین، بی‌تا: ۱۲/ ۴۳۹؛ بحرالعلوم، ۱۳۶۳: ۲/ ۱۲۰)؛ قرآینی مانند: وکالت از سوی امام کاظم علیه السلام که متولی وقف، اموال و امور بردگان و کودکان امام کاظم علیه السلام بوده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/ ۳۱۶)، و نیز توثیق عام شیخ مفید که همه فرزندان امام کاظم علیه السلام را صاحب فضل و منقبت دانسته است (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۲/ ۳۰۳)، گفتنی است دیگر اسناد دعا در کتاب‌های **من لایحضره الفقیه** و **تهذیب الاحکام**، مرسل و ضعیف ارزیابی شده است.

بررسی تطبیقی متن دعای یکم چنین به دست می‌دهد که روایت صحیفه دارای سه گزارش مختلف است که هر کدام در شماری از مصادر شیعی نقل شده است. به بیان دیگر، دعای یادشده سه لایه متفاوت دارد و هر کدام از آنها از یک منبع اصلی و یک منبع پشتیبان برخوردار است: لایه اول، مربوط به قرن نخست هجری است که منبع اصلی آن **صحیفه امام سجاد علیه السلام** (۹۵ق) و منبع پشتیبان آن، **المصباح کفعمی** (۹۰۵ق) است؛ لایه دوم، مربوط به قرن چهارم هجری است که منبع اصلی آن، **الجعفریات ابن اشعث** (زنده در ۳۱۳ق)، و منبع پشتیبان آن، **النوادر راوندی** (۵۹۷ق) است؛ و لایه سوم، مربوط به قرن چهارم و پنجم است که منبع اصلی آن، **من لایحضره الفقیه** شیخ صدوق (۳۸۱ق)، و منبع پشتیبان آن، **تهذیب الاحکام** شیخ طوسی (۴۶۰ق) است.

بنابراین، با توجه به قراین مصدري، سندی و نیز تحلیل مؤلفه‌های متنی چنین می‌توان گفت که معصومانه بودن متن دعای یکم قابل اثبات است و می‌توان آن را جزو ادعیه مأثور به شمار آورد؛ هرچند درباره این که دعای نوزدهم انشای امام سجاد علیه السلام بوده است و یا این که ایشان از ادعیه جد خویش امیرالمؤمنین علیه السلام اقتباس نموده‌اند، نمی‌توان داوری اطمینان آوری داشت.

۲-۲- دعای دوم

«أَبُو الْبَخْتَرِيِّ وَهْبُ بْنُ وَهْبٍ الْقُرَشِيُّ، عَنْ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ قَالَ: اجْتَمَعَ عِنْدَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ۑ قَوْمٌ، فَشَكُّوا إِلَيْهِ قِلَّةَ الْمَطَرِ، وَقَالُوا: يَا أَبَا الْحَسَنِ، ادْعُ لَنَا بِدَعَوَاتٍ فِي الْإِسْتِسْقَاءِ. قَالَ: فَدَعَا عَلِيُّ ۑ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ ۑ، ثُمَّ قَالَ لِلْحَسَنِ ۑ: ادْعُ لَنَا بِدَعَوَاتٍ فِي الْإِسْتِسْقَاءِ. فَقَالَ الْحَسَنُ ۑ: اللَّهُمَّ هَيِّجْ لَنَا السَّحَابَ، يَفْتَحِ الْأَبْوَابَ، بِمَاءٍ غُبَابٍ، وَرَبَابٍ بِانْصِبَابٍ وَانْسِكَابٍ، يَا وَهَّابُ، اسْقِنَا مُغْدِقَةً مُطَبَّقَةً مُورِقَةً، فَتَحْ إِغْلَاقَهَا، وَيَسِّرْ إِطْبَاقَهَا، وَسَهِّلْ إِطْلَاقَهَا، وَعَجِّلْ سِيَاقَهَا بِالْأَنْدِيَةِ فِي بُطُونِ الْأَوْدِيَةِ بِصُوبِ الْمَاءِ، يَا فَعَّالُ، اسْقِنَا مَطَرًا قَطْرًا طَلًّا مُطَلًّا، مُطَبِّقًا طَبَقًا، عَامًّا مِعْمًا، دَهْمًا بُهْمًا رُحْمًا، رَشًّا مُرْشًّا، وَاسِعًا كَافِيًّا، عَاجِلًا طَيِّبًا مَرِيئًا مُبَارَكًا، سُلَاطِحًا بِلَاطِحًا يَنَاطِحُ الْأَبَاطِحَ، مُغْدُودًا مُطَبَّوِقًا مُغْرُورًا، اسْقِ سَهْلَنَا وَجَبَلَنَا، وَبَدُونَنَا وَحَضْرَنَا، حَتَّى تُرَخِّصَ بِهِ أَسْعَارَنَا، وَتُبَارِكَ لَنَا فِي صَاعِنَا وَمُدَّنَا، أَرِنَا الرِّزْقَ مَوْجُودًا وَالْغَلَاءَ مَفْقُودًا، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. ثُمَّ قَالَ لِلْحُسَيْنِ ۑ: ادْعُ. فَقَالَ الْحُسَيْنُ ۑ: اللَّهُمَّ يَا مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ مِنْ مَنَاسِلِهَا، وَمُنْزِلِ الرَّحْمَاتِ مِنْ مَعَادِنِهَا، وَمُجْرِي الْبَرَكَاتِ عَلَى أَهْلِهَا، مِنْكَ الْغَيْثُ الْمُغِيثُ، وَأَنْتَ الْغِيَاثُ الْمُسْتَعَاثُ، وَنَحْنُ الْخَاطِئُونَ وَأَهْلُ الذُّنُوبِ، وَأَنْتَ الْمُسْتَغْفَرُ الْعَفَّارُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ أَرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْنَا لِحِينِهَا مِدْرَارًا، وَاسْقِنَا الْغَيْثَ وَكَفًّا مِغْزَارًا، غَيْثًا مُغِيثًا، وَاسِعًا مُتَّسِعًا، مُهْطَلًا مَرِيئًا مُمْرِعًا، غَدَقًا مُغْدِقًا غُبَابًا، مُجَلِّجَلًا سَحًا سَحْسَاحًا، ثَجًّا ثَجَّاجًا، سَائِلًا مُسِيلًا، عَامًّا وَدَقًّا مِطْفَاحًا، يَدْفَعُ الْوَدَقَ بِالْوَدَقِ دِفَاعًا، وَيَتْلُو الْقَطْرُ مِنْهُ قَطْرًا، غَيْرَ خُلْبٍ بَرْقُهُ، وَلَا مُكْذِبٍ وَعْدُهُ، تُنْعِشُ بِهِ الضَّعِيفَ مِنْ عِبَادِكَ، وَتُحْيِي بِهِ الْمَيِّتَ مِنْ بِلَادِكَ، وَتَوْنِقُ بِهِ دُرَى الْأَكَامِ مِنْ بِلَادِكَ، وَتَسْخُو بِهِ عَلَيْنَا مِنْ مَنِّكَ، آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ. فَمَا فَرَعَا مِنْ دُعَائِهِمَا حَتَّى صَبَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيْهِمُ السَّمَاءَ صَبًّا. قَالَ: فَقِيلَ لِسَلْمَانَ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، أَعْلَمْنَا هَذَا الدُّعَاءَ؟ قَالَ: وَيَحْكُمُ! أَيْنَ أَتَيْتُمْ عَنْ حَدِيثِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَيْثُ يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَجْرَى عَلَى السَّنِ أَهْلَ بَيْتِي مَصَابِيحَ الْحِكْمَةِ؟» (حمیری، ۱۴۱۳: ۱۵۷).

جستجوی دعای دوم در منابع مختلف اسلامی حکایت از آن دارد که این دعا جزو میراث حدیثی شیعه است. چه، قرب الاسناد حمیری (۳۰۴ق) و کتاب من لایحضره

الفقیه شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) (شیخ صدوق، ۱۴۱۳: ۱/ ۵۳۵) کهن ترین مصادری هستند که به نقل کامل دعا پرداخته‌اند.

بعد از آن، حسین بن عبدالوهاب (بعد ۴۴۸ ق) در **عیون المعجزات** و سید هاشم بحرانی (۱۱۰۷ ق) در **مدینه المعاجز** نیز به نقل فقراتی از دعای مذکور پرداخته‌اند (عبدالوهاب، بی‌تا: ۶۴؛ بحرانی، ۱۴۱۳: ۳/ ۴۷۲). در این میان، کتاب **زین الفتی فی شرح سورة هل أتى** اثر احمد بن محمد بن علی العاصمی (بعد ۴۲۵ ق) (عاصمی، ۱۴۱۸: ۲/ ۱۸۹)، تنها اثر غیر شیعی است که دعای یاد شده را گزارش کرده است. از این رو با توجه به اعتبار مصادر یاد شده و قدمت نسبتاً کهن آنها، می‌توان دعای دوم را به جهت مصدر شناسی قابل استناد دانست.

با توجه به مصادر شناسایی شده، دعای دوم تنها یک سند واحد دارد که آن هم به دلیل وجود برخی راویان، ضعیف شمرده شده است. چنان‌که نجاشی و شیخ طوسی، ابوالبختری وهب بن وهب قرشی را تضعیف کرده‌اند (نجاشی، ۱۴۱۶: ۴۳۰؛ شیخ طوسی، ۱۴۲۰: ۴۴۸)، و علامه حلی نیز تمام طرق وی به امام صادق علیه السلام را غیر قابل اعتماد دانسته است (علامه حلی، ۱۴۱۷: ۲۶۲). با این همه محمدتقی مجلسی سند حمیری به امام صادق علیه السلام را موثق خوانده است (مجلسی، ۱۴۱۴: ۵/ ۳۲۸).

بررسی متن دعای دوم نیز چنین نشان می‌دهد که دعای یاد شده در برخی مصادر به شکل کامل و در برخی دیگر به شکل گزیده نقل شده است. لکن با توجه به آنکه بخش اصلی دعا بدون تغییرات جدی نقل شده است می‌توان از اصالت و استواری آن دفاع نمود. بنابراین، دومین دعای طلب باران اگر چه به جهت سندی قابل استناد نیست اما به جهت مصدري دارای منابع نسبتاً کهن و قابل اعتماد است و به جهت متنی نیز متن یک‌دست و یک‌پارچه‌ای دارد. از این رو، می‌توان دعای یاد شده را به معصوم نسبت داد و جزو ادعیه مأثور به شمار آورد.

۳-۲- دعای سوم

«اعْلَمْ بِرَحْمَتِكَ اللَّهُ أَنَّ صَلَاةَ الْإِسْتِسْقَاءِ رَكْعَتَانِ بِلَا أَذَانٍ وَلَا إِقَامَةٍ يُخْرِجُ الْإِمَامُ يَنْزُرُ إِلَى تَحْتِ السَّمَاءِ وَيَخْرِجُ الْمُبْرُورَ الْمُؤَدِّثُونَ أَمَامَهُ فَيَصَلِّي بِالنَّاسِ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ يَسْلَمُ وَ

يُصْعَدُ الْمُنْبَرُ فَيَقْلُبُ رِدَاءَهُ الَّذِي عَلَى يَمِينِهِ عَلَى يَسَارِهِ وَ الَّذِي عَلَى يَسَارِهِ عَلَى يَمِينِهِ مَرَّةً وَاحِدَةً ثُمَّ يَحْوُلُ وَجْهَهُ إِلَى الْقِبْلَةِ فَيَكْبِّرُ اللَّهُ مِائَةَ تَكْبِيرَةٍ يَرْفَعُ بِهَا صَوْتَهُ ثُمَّ يَلْتَفِتُ عَنْ يَمِينِهِ فَيَسْبُحُ مِائَةَ مَرَّةٍ يَرْفَعُ بِهَا صَوْتَهُ ثُمَّ يَلْتَفِتُ عَنْ يَسَارِهِ فَيَهْلِلُ اللَّهُ مِائَةَ مَرَّةٍ رَافِعاً صَوْتَهُ ثُمَّ يَسْتَقْبِلُ النَّاسَ بِوَجْهِهِ فَيَحْمَدُ اللَّهُ مِائَةَ مَرَّةٍ رَافِعاً صَوْتَهُ ثُمَّ يَرْفَعُ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ فَيَدْعُو اللَّهَ وَ يَقُولُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَيْثاً مُغِيثاً مُجَلِّلاً طَبَقاً مُطْبَقاً جَلَلًا مُونِقًا رَاجِيًا غَدَقًا مُعْدِقًا طَيِّبًا مُبَارَكًا هَاطِلًا مُنْهَاطِلًا رَعْدًا هَيْنًا مَرِيئًا دَائِمًا رَوِيًّا سَرِيعًا عَامًّا مُسْبِلًا نَافِعًا غَيْرَ ضَارٍّ تُحْيِي بِهِ الْعِبَادَ وَ الْبِلَادَ وَ تُنْبِتُ بِهِ الزَّرْعَ وَ النَّبَاتَ وَ تَحْلُلُ فِيهِ بَلَاغًا لِلْحَاضِرِ مِنَّا وَ الْبَادِ اللَّهُمَّ أَنْزِلْ عَلَيْنَا مِنْ بَرَكَاتِ سَمَائِكَ مَاءً طَهُورًا وَ أَنْبِثْ لَنَا مِنْ بَرَكَاتِ أَرْضِكَ نَبَاتًا مَسْقِيًّا وَ تَسْقِيهِ مِمَّا خَلَقْتَ أَنْعَامًا وَ أَنْاسِيَ كَثِيرًا اللَّهُمَّ ارْحَمْنَا بِمَشَائِخِ رُكْعٍ وَ صِبْيَانِ رُضْعٍ وَ بَهَائِمِ رُتْعٍ وَ شُبَّانِ خُضْعٍ» (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۱۵۳).

مطالعه منابع مختلف اسلامی چنین نشان می‌دهد که دعای سوم در برخی از مصادر اهل سنت گزارش شده است که قدیمی‌ترین آنها المعجم الاوسط طبرانی (م ۳۶۰ ق) (طبرانی، ۱۴۱۵: ۷/۳۲۰)، نشر الدر منصور بن حسین الآبی (م ۴۲۱ ق) (آبی، ۱۴۲۴: ۱/۱۵۶)، الاستذکار ابن عبد البر (۴۶۳ ق) (ابن عبد البر، ۲۰۰۰: ۲/۴۲۹)، و الفائق زمخشری (م ۵۸۳ ق) (زمخشری، ۱۴۱۷: ۱/۲۹۶) است.

این نکته بیان‌گر آن است که هرچند این دعا در یک کتاب فقهی شیعه^۱ روایت شده است، اما خاستگاه مصدري آن منابع عامه است و جزو میراث حدیثی اهل سنت به‌شمار می‌رود.

در این میان، تنها طبرانی (م ۳۶۰ ق) بوده که اسناد دعا را نیز ذکر کرده‌اند. وی دعای سوم را در سه کتاب المعجم الاوسط، الدعاء و الأحادیث الطوال، به یک سند

۱. شایان ذکر است که درباره مؤلف کتاب فقه الرضا^۲ اختلاف نظر وجود دارد و برخی آن را به امام رضا^۳ منسوب دانسته‌اند. در حالی که طبق تحقیق، این کتاب اثر علی بن موسی بن بابویه قمی (پدر شیخ صدوق) است که به جهت مضمون و محتوا با کتاب الشرائع وی برابری می‌کند (نک: استادی، ۱۳۸۰: ۱۵۴-۱۶۰؛ چهارسوقی، ۱۳۸۰: ۴۵۵-۵۰۴).

واحد از «انس بن مالک» نقل کرده است: «حَدَّثَنَا أَبُو يَعْلَى مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ شَادَانَ، حَدَّثَنِي أَبِي، ثنا مُجَاشِعُ بْنُ عَمْرٍو، ثنا ابْنُ لَهِيْعَةَ، ثنا عَقِيلُ بْنُ خَالِدٍ، عَنْ ابْنِ شِهَابٍ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ...» (طبرانی، ۱۴۱۲: ۶۹؛ همو، ۱۴۱۵: ۳۲۰/۷؛ همو، ۱۴۱۳: ۵۹۶). لکن به دلیل ضعف برخی راویان واقع در طریق حدیث، این سند از اعتبار لازم برخوردار نبوده و ضعیف ارزیابی شده است؛ چنان که «محمد بن اسحاق» مجهول الحال بوده است، «مشاجع بن عمرو» متهم به وضع شده است (ابن حبان، ۱۳۹۶: ۱۸/۳)، و «ابن لهیعه» ضعیف خوانده شده است (نسائی، ۱۴۰۶: ۲۰۳).

بررسی تطبیقی دعای سوم در مصادر موجود نیز چنین به دست می دهد که این دعا به جهت متن و لفظ از اصالت نسبی برخوردار است و اکثر اجزاء و کلمات آن با تغییرات اندکی نقل شده است. تنها تفاوت جدی بین گزارش های موجود، تفاوت گزارش ابن بابویه و طبرانی است که در برخی از جملات دعا رخ داده است و چنین می نماید که خاستگاه مذهبی دو مصدر، در این اختلاف بی تأثیر نبوده است (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۱۵۳).

بنابراین، از مجموع شواهد ذکر شده چنین به دست می آید که دعای سوم از اعتبار نسبی برخوردار است و می توان با تکیه بر تعدد و قدمت مصدري آن از یک سو، و اصالت و استواری متنی آن از سوی دیگر، به اعتبار و وثاقت آن پی برد. خصوصاً آنکه این دعا در دو مصدر شیعه و سنی ذکر شده است و از پشتوانه علمی هر دو فرقه بهره مند است.

۴-۲- دعای چهارم

«وَ حَظَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ فِي الْإِسْتِسْقَاءِ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَابِغِ النَّعْمِ وَ مُفْرِجِ الْهَمِّ وَ بَارِي النَّسَمِ الَّذِي جَعَلَ السَّمَاوَاتِ لِكُرْسِيِّهِ عِمَاداً وَ الْجِبَالِ لِلْأَرْضِ أَوْتَاداً وَ الْأَرْضِ لِلْعِبَادِ مِهَاداً وَ مَلَائِكَتَهُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَ حَمَلَةَ الْعَرْشِ عَلَى أَمْطَانِهَا وَ أَقَامَ بَعْرَتهِ أَرْكَانَ الْعَرْشِ وَ أَشْرَقَ بِضَوْوِهِ شُعَاعَ الشَّمْسِ وَ أَجْبَأَ بِشُعَاعِهِ ظُلْمَةَ الْغَطْشِ وَ فَجَّرَ الْأَرْضَ عَيْوناً وَ الْقَمَرَ نُوراً وَ الْجُومَ بُهُوراً ثُمَّ عَلَا فَتَمَكَّنَ وَ خَلَقَ فَأَنْقَنَ وَ أَقَامَ فَتَهَيَّمَنَ فَخَضَعَتْ لَهُ نَحْوَةُ الْمُتَكَبِّرِ وَ طَلَبَتْ إِلَيْهِ خَلَّةَ الْمُتَمَسِّكِنِ اللَّهُمَّ فَبَدَّرَجَتِكَ الرَّفِيعَةِ وَ مَحَلَّتِكَ الْمُنِيعَةِ وَ فَضْلِكَ السَّابِغِ وَ

سَبِيلِكَ الْوَاسِعِ أَشْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا دَانَ لَكَ وَدَعَا إِلَى عِبَادَتِكَ وَوَفَى بِعَهْدِكَ وَأَنْفَذَ أَحْكَامَكَ وَاتَّبَعَ أَعْلَامَكَ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ وَآمِنُكَ عَلَى عَهْدِكَ إِلَى عِبَادِكَ الْقَائِمِ بِأَحْكَامِكَ وَ مُؤَيِّدٍ مِنْ أَطَاعِكَ وَ قَاطِعٍ عُذْرٍ مِنْ عَصَاكَ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ مُحَمَّدًا أَجْزَلَ مَنْ جَعَلْتَ لَهُ نَصِيبًا مِنْ رَحْمَتِكَ وَ أَنْصَرَ مَنْ أَشْرَقَ وَجْهُهُ بِسَجَالِ عَطِيَّتِكَ وَ أَقْرَبَ الْأَنْبِيَاءِ رُفْقَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَكَ وَ أَوْفَرَهُمْ حَظًّا مِنْ رِضْوَانِكَ وَ أَكْثَرَهُمْ صُفُوفَ أُمَّةٍ فِي جَنَانِكَ كَمَا لَمْ يَسْجُدْ لِلْأَحْجَارِ وَ لَمْ يَعْتَكِفْ لِلْأَشْجَارِ وَ لَمْ يَسْتَجِلَّ السَّبَاءَ وَ لَمْ يَشْرِبِ الدَّمَاءَ اللَّهُمَّ خَرِّجْنَا إِلَيْكَ حِينَ أَجَاءَتْنا الْمَضَائِقُ الْوَعْرَةُ وَ الْجَبَاتُ الْمَحَابِسُ الْعُسْرَةُ وَ عَضُّنَا الصَّعْبَةَ عَلَائِقُ الشَّيْنِ وَ تَأَثَّلَتْ عَلَيْنَا لَوَاحِقُ الْمَيِّنِ وَ اعْتَكَرَتْ عَلَيْنَا حَدَابِيرُ السَّنِينِ وَ أَخْلَقَتْنا مَخَايِلُ الْجَوْدِ وَ اسْتَظْمَنَّا لِصَوَارِخِ الْعُودِ فَكُنْتُ رَجَاءَ الْمُتَبَسِّسِ وَ الثِّقَّةَ لِلْمُلْتَمِسِ نَدْعُوكَ حِينَ قَطَعَ الْأَنْامُ وَ مُنِعَ الْعَمَامُ وَ هَلَكَ السَّوَامُ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ عَدَدَ الشَّجَرِ وَ النُّجُومِ وَ الْمَلَائِكَةِ الصُّفُوفِ وَ الْعَنَانِ الْمَكْشُوفِ أَنْ لَا تَرُدَّنَا خَائِبِينَ وَ لَا تَتَّخِذْنَا بِأَعْمَالِنَا وَ لَا تُحَاصِنَا بِدُنُوبِنَا وَ انْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ بِالسَّحَابِ الْمُثِقِ وَ النَّبَاتِ الْمُونِقِ وَ امْنُنْ عَلَى عِبَادِكَ بِتَنْوِيعِ الثَّمَرَةِ وَ أَحْيِ بِلَادَكَ بِثُلُوغِ الزَّهْرَةِ وَ أَشْهَدْ مَلَائِكَتَكَ الْكِرَامَ السَّفَرَةَ سُفْيَا مِنْكَ نَافِعَةً دَائِمَةً غُرُزَهَا وَاسِعًا دُرُّهَا سَحَابًا وَابِلًا سَرِيعًا عَاجِلًا تُحْيِي بِهِ مَا قَدْ مَاتَ وَ تَرُدُّ بِهِ مَا قَدْ فَاتَ وَ تُخْرِجُ بِهِ مَا هُوَ آتٍ اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَيْثًا مُعِينًا مُمْرِعًا طَبَقًا مُجَلِّجًا مُتَابِعًا خُفُوفَهُ مُنْبِجَسَةً بُرُوقَهُ مُزْتَجِسَةً هُمُوعَهُ وَ سَيْبُهُ مُسْتَدِيرٌ وَ صَوْبُهُ مُسَبِّطٌ لَا تَجْعَلْ ظِلَّهُ عَلَيْنَا سَمُومًا وَ بَرْدَهُ عَلَيْنَا حُسُومًا وَ صَوْءَهُ عَلَيْنَا رُجُومًا وَ مَاءَهُ أَجَاجًا وَ بَنَاتَهُ رَمَادًا رَمِدًا اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّرِّ وَ هَوَادِيهِ وَ الظُّلْمِ وَ دَوَاهِيهِ وَ الْفَقْرِ وَ دَوَاعِيهِ يَا مُعْطَى الْخَيْرَاتِ مِنْ أَمَاكِنِهَا وَ مُرْسِلَ الْبَرَكَاتِ مِنْ مَعَادِنِهَا مِنْكَ الْغَيْثُ الْمُغِيثُ وَ أَنْتَ الْغِيَاثُ الْمُسْتَعَاثُ وَ نَحْنُ الْخَاطِئُونَ وَ أَهْلُ الدُّنُوبِ وَ أَنْتَ الْمُسْتَغْفَرُ الْعَفَّارُ نَسْتَغْفِرُكَ لِلْجَمَّاتِ مِنْ دُنُوبِنَا وَ نَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ عَوَامِ خَطَايَانَا اللَّهُمَّ فَأَرْسِلْ عَلَيْنَا دِيمَةً مَدْرَارًا وَ اسْقِنَا الْغَيْثَ وَ اكْفَا مَغْرَارًا غَيْثًا وَاسِعًا وَ بَرَكَةً مِنَ الْوَابِلِ نَافِعَةً يَدْفَعُ الْوَدُوقَ بِالْوَدُوقِ وَ يَثْلُو الْقَطْرَ مِنْهُ الْقَطْرَ غَيْرَ خَلْبٍ بَرْقَةٍ وَ لَا مُكَذِّبٍ رَعْدُهُ وَ لَا عَاصِفَةٍ جَنَائِئُهُ بَلْ رِيًّا يَعْصُ بِالرِّى رِبَابُهُ وَ فَاضٌ فَانْصَاعَ بِهِ سَحَابُهُ وَ جَرَى آثَارُ هَيْدِهِ جَنَابَهُ سُقْيَا مِنْكَ مُحْيِيَةً مُرُويَةً مُحَفَّلَةً مُفَضَّلَةً زَاكِيًّا نَبْئُهُا نَامِيًّا زَرْعُهَا نَاضِرًا عُودُهَا مُمْرِعَةً آثَارُهَا جَارِيَةً بِالْخَيْرِ وَ الْخُصْبِ عَلَى أَهْلِهَا تَنْعَشُ بِهَا الضَّعِيفَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تُحْيِي بِهَا الْمَيِّتَ مِنْ بِلَادِكَ وَ تُنْعِمُ بِهَا الْمَبْسُوطَ مِنْ رِزْقِكَ وَ تُخْرِجُ بِهَا

الْمَحْزُونِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَتَعْمُ بِهَا مَنْ نَأَى مِنْ خَلْقِكَ حَتَّى يَخْصِبَ لِامْرَأِهَا الْمُجْدِبُونَ وَ
يُخَيَّا بِبِرْكَتِهَا الْمُسْتَوُونَ وَ تَشْرَعُ بِالْقِيَعَانِ غُدْرَانُهَا وَ تُورِقُ ذُرَى الْأَكْمَامِ زَهْرَانُهَا وَ يَدْهَامُ
بِذُرَى الْآكَامِ شَجَرُهَا وَ تَسْتَحِقُّ عَلَيْنَا بَعْدَ الْيَأْسِ شُكْرًا مِنَّةً مِنْ مَنِّكَ مُجَلَّلَةً وَ نِعْمَةً مِنْ
نِعْمِكَ مُفَضَّلَةً عَلَى بَرِيَّتِكَ الْمُزْمَلَةِ وَ بِلَادِكَ الْمُعْرَبَةِ وَ بَهَائِمِكَ الْمُعْمَلَةِ وَ وَحْشِكَ الْمُهْمَلَةِ
اللَّهُمَّ مِنْكَ اِزْتِجَاؤُنَا وَ إِلَيْكَ مَابُنَا فَلَا تَحْبِسْهُ عَنَّا لِتَبْطُنِكَ سَرَائِرُنَا وَ لَا تَوَاجِدْنَا بِمَا فَعَلَ
السُّفَهَاءُ مِنَّا فَإِنَّكَ تُنْزِلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَ تَنْشُرُ رَحْمَتَكَ وَ أَنْتَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ ثُمَّ
بَكَى وَ قَالَ سَيِّدِ سَاخَتْ جِبَالُنَا وَ اغْبَرَّتْ أَرْضُنَا وَ هَامَتْ دَوَابُّنَا وَ قَنَطَ النَّاسُ مِنَّا أَوْ مِنْ
قَنَطَ مِنْهُمْ وَ تَاهَتْ الْبَهَائِمُ وَ تَحَيَّرَتْ فِي مَرَاتِعِهَا وَ عَجَّتْ عَجِيجَ الشَّكَالَى عَلَى أَوْلَادِهَا وَ
مَلَّتِ الدَّوَرَانَ فِي مَرَاتِعِهَا حِينَ حَبَسَتْ عَنْهَا قَطَرَ السَّمَاءِ فَدَقَّ لِدَلِّكَ عَظْمُهَا وَ ذَهَبَ
لَحْمُهَا وَ ذَابَ شَحْمُهَا وَ انْقَطَعَ دُرُّهَا اللَّهُمَّ اِرْحَمْ أُنِينَ الْأَمَّةِ وَ حَنِينَ الْحَائَةِ اِرْحَمْ تَحِيرَهَا
فِي مَرَاتِعِهَا وَ أُنِينَهَا فِي مَرَابِضِهَا» (شيخ صدوق، ۱۴۱۳: ۵۲۷/۱).

تتبع در منابع مختلف اسلامی چنین به دست می‌دهد که دعای چهارم جزو میراث
حدیثی شیعه است که در شماری از مصادر فریقین نقل شده است. چنان که
قدیمی‌ترین گزارش دعا به نیمه قرن سوم هجری و کتاب **البيان والتبيين** حاجظ
(م ۲۵۵ق) می‌رسد که بخش کوتاهی از دعا را نقل کرده است (جاحظ، ۱۹۲۶: ۵۱۷). پس
از آن، ابن اشعث (م ۳۱۳ق) در کتاب **الجعفریات** (ابن اشعث، بی‌تا: ۴۹)، سید رضی
(م ۴۰۶ق) در **نهج البلاغه** (سید رضی، ۱۴۱۴: خطبه ۱۱۵)، و شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) در
تهذیب الاحکام (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۵۱/۳)، به روایت بخش‌های بیشتری از دعا
پرداخته‌اند.

عمده مصادری که به نقل دعای چهارم پرداخته‌اند، فاقد سند بوده و یا شرط اتصال
را نداشته‌اند. تنها سند متصل دعا، طریق محمد بن اشعث (صاحب کتاب **الجعفریات**)
است که از موسی بن اسماعیل، او از پدرش اسماعیل بن موسی و او از پدرش، موسی
بن جعفر^۱ به نقل دعای یاد شده پرداخته است: «أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى حَدَّثَنَا
أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ» (ابن اشعث، بی‌تا: ۴۹).^۱ مقایسه گزارش

۱. به دلیل بررسی رجالی این سند در ذیل دعای اول، از تکرار مجدد آن پرهیز شده است.

شیخ صدوق با دیگر مصادر دعا، چنین به دست می‌دهد که کامل‌ترین متن، از آن کتاب من لایحضره الفقیه و تهذیب الاحکام است و دیگر مصادر، تنها به نقل بخش‌هایی از دعا بسنده کرده‌اند. در این میان، اشتراکات متنی بخش‌های ذکر شده قابل توجه است می‌توان آنها را حاصل یک گفت‌وگوی تاریخی دانست. بنابراین، با توجه به قدمت مصادر دعا و نیز شهرت آنها در میان منابع اسلامی می‌توان دعای چهارم را به جهت مصدري گزارشی، معتبر برشمرد. همچنان که سند قابل قبول و متن اصیل دعا نیز گواه دیگری بر ارزش تاریخی آن است و آن را در زمره ادعیه مأثور اهل بیت (علیهم‌السلام) قرار می‌دهد.

۵-۲- دعای پنجم

«قَالَ أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ بِلَالٍ الْمُهَلَّبِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا النُّعْمَانُ بْنُ أَحْمَدَ الْقَاضِي الْوَاسِطِيُّ يَبْغَدَادَ قَالَ وَ أَخْبَرَنَا إِبرَاهِيمُ بْنُ عَرَفَةَ النَّحْوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ رُشْدٍ بْنُ خُثَيْمٍ الْهَلَالِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَمِّي سَعِيدُ بْنُ خُثَيْمٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُسْلِمُ الْغَلَابِيُّ قَالَ جَاءَ أَغْرَابِي إِلَى النَّبِيِّ ﷺ قَالَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَقَدْ أَتَيْنَاكَ وَ مَا لَنَا بِعَيْرٍ يَبُطُّ وَ لَا غَنَمٍ يَغُطُّ... فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِأَصْحَابِهِ إِنَّ هَذَا الْأَغْرَابِي يَشْكُو قِلَّةَ الْمَطَرِ وَ قَحْطاً شَدِيداً ثُمَّ قَامَ يَجُرُّ رِذَاءَهُ حَتَّى صَعِدَ الْمِنْبَرَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ وَ كَانَ مِمَّا حَمِدَ رَبَّهُ أَنْ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي السَّمَاءِ فَكَانَ عَالِياً وَ فِي الْأَرْضِ قَرِيباً دَانِياً أَقْرَبَ إِلَيْنَا مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ وَ رَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَ قَالَ اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَيْثاً مُغِيثاً مَرِيئاً مَرِيئاً عَذَقاً طَبَقاً عَاجِلاً غَيْرَ رَائِثٍ نَافِعاً غَيْرَ ضَائِرٍ تَمْلَأُ بِهِ الضَّرْعَ وَ تُثَبِّثُ بِهِ الزَّرْعَ وَ تُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا فَمَا رَدَّ يَدَيْهِ إِلَى نَحْرِهِ حَتَّى أَحْدَقَ السَّحَابُ بِالْمَدِينَةِ كَالْأَكْلِيلِ وَ التَّقَتِ السَّمَاءُ بِأَرْذَافِهَا وَ جَاءَ أَهْلُ الْبُطَاحِ يَضْجُونَ يَا رَسُولَ اللَّهِ الْغَرَقَ الْغَرَقَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ اللَّهُمَّ حَوَالَيْنَا وَ لَا عَلَيْنَا فَانْجَابَ السَّحَابُ عَنِ السَّمَاءِ» (شيخ مفيد، ۱۴۱۳: ۳۰۲).

بررسی منابع اسلامی حکایت از آن دارد که دعای پنجم در دو گروه از مصادر نقل شده است. یکی مصادر حدیثی شیعه است که کتاب قرب الاسناد حمیری قمی (م ۳۰۵ق) و الامالی شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) از کهن‌ترین آنهاست و دیگری، مصادر حدیثی اهل سنت است که الطبقات ابن سعد (م ۲۳۰)، الأحادیث الطوال طبرانی

(م ۳۶۰ق)، الکامل ابن عدی جرجانی (م ۳۶۵ق)، زین الفتی عاصمی (بعد ۴۲۵ق) و دلائل النبوة بیهقی (م ۴۵۸ق) از جمله آنهاست.

بسامد منابع اهل سنت و نیز قدمت تاریخی آنها چنین به دست می دهد که خاستگاه دعای یاد شده در میراث اهل سنت بوده است و از آن طریق وارد کتب حدیثی شیعه گردیده است. بررسی اسناد موجود در مصادر دعا نیز نشان از طریق واحدی دارد که در هر دو گروه از مصادر شیعی (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۳۰۲؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۴: ۷۴)، و اهل تسنن (طبرانی، ۱۴۱۲: ۷۱؛ ابن عدی، ۱۴۰۹: ۴۶۹/۴؛ بیهقی، ۱۴۰۵: ۱۴۵/۶)، مورد استناد قرار گرفته است.

در این سند که به «انس به مالک» می رسد افرادی چون: «أحمد بن رشید بن خثیم الهلالی»، «سعید بن خثیم» و «مسلم الملائی» قرار گرفته اند که شخصیت رجالی یکسانی ندارند. چراکه، به غیر از مسلم ملائی^۱ که از سوی رجالیون اهل سنت تضعیف شده است، بقیه راویان از وضعیت مناسبی برخوردار بوده و توثیق شده اند. با این همه، با توجه به انحصار سند دعا در یک طریق متصل و ضعف رجالی آن، وضعیت سندی دعا ضعیف ارزیابی می شود.

اکثر مصادر دعای پنجم در نقل متن دعا هم داستان بوده و تقریباً تمام فقرات دعا را گزارش کرده اند. تنها، نخستین فقره دعا منحصر در امالی شیخ مفید بوده و در دیگر مصادر اسلامی نقل نشده است و برخی از جملات دعا نیز به شکل محدود روایت شده است (طبرانی، ۱۴۱۲: ۷۱؛ ابن عدی، ۱۴۰۹: ۴۶۹/۴؛ عاصمی، ۱۴۱۸: ۱۸۴/۲). از این رو، با توجه به یک دستی نسبی منابع موجود می توان استواری و اصالت تاریخی دعا را احراز نمود. بنابراین، مجموع قرائن صدوری و اصالی موجود چنین به دست می دهد که دعای پنجم

۱. نام این راوی - که در امالی شیخ مفید به صورت «مسلم الغلابی» آمده است - مسلم بن کیسان الضبی الملائی ملقب به الأعور است که در مکه اقامت داشته و از افرادی چون انس بن مالک، سعید بن جبیر و حبه عرنی روایت شنیده است. وی از سوی اکثر رجالیون اهل سنت تضعیف شده و با تعابیری چون «ذاهب الحدیث»، «ضعیف الحدیث»، «لیس بشیء» و... ارزیابی شده است (مزنی، ۱۴۱۳: ۲۷/۵۳۰).

از اعتبار لازم برخوردار است و قدمت و شهرت مصادر آن، و نیز اصالت و درستی متن آن بر این مدعا گواهی می‌دهد.

نتیجه‌گیری

بررسی ادعیه منقول در مصادر شیعه حکایت از آن دارد که بالغ بر ۲۰ متن حدیثی به‌عنوان ادعیه طلب باران شناخته می‌شوند که از این میان، پنج متن از اصالت تاریخی و اعتبار رجالی برخوردارند. چه، بررسی‌های انجام شده در سه بخش مصدرشناسی، سندشناسی و متن‌شناسی چنین به‌دست می‌دهد که دعای امام سجاده علیه السلام در صحیفه سجادیه، دعای حسنین علیهم السلام در قرب الاسناد، دعای امیرالمؤمنین علیه السلام در من لایحضره الفقیه و دعاهای پیامبر صلی الله علیه و آله در فقه الرضا علیه السلام و امالی شیخ مفید جزو معتبرترین متون حدیثی است که در خصوص طلب باران صادر شده است. قدمت و شهرت مصادر ادعیه و نیز اصالت و سلامت تاریخی آنها از مهمترین قرائن موجود در این باره است.

کتاب‌نامه

۱. صحیفه سجادیه.
۲. نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح.
۳. ابن اشعث، محمد بن محمد، الجعفریات، تهران، مکتبه النیوی الحدیثه، بی‌تا.
۴. ابن بابویه، علی بن موسی، فقه الرضا علیه السلام، مشهد، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۶ق.
۵. ابن حبان، محمد، المجروحین من المحدثین والضعفاء والمتروکین، حلب، دار الوعی، ۱۳۹۶ق.
۶. ابن طاووس، علی بن موسی، مهج الدعوات و منهج العبادات، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۱ق.
۷. ابن عبد البر، یوسف بن عبدالله، الاستذکار، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۰م.
۸. ابن عدی، عبدالله، الکامل فی ضعف الرجال، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۰۹ق.
۹. استادی، رضا، «تحقیق پیرامون کتاب فقه الرضا علیه السلام»، مشکاة، ش ۷۲ و ۷۳، ص ۱۵۴-۱۶۰.

۱۳۸۰.

۱۰. امین، سید محسن، **اعیان الشیعه**، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بی تا.
۱۱. آبی، منصور بن حسین، **نثر الدر فی المحاضرات**، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.
۱۲. بحر العلوم، سید محمد مهدی، **الفوائد الرجالیه**، طهران، مکتبه الصادق، ۱۳۶۳.
۱۳. بحرانی، سید هاشم، **مدینه معاجز الأئمة الإثنی عشر**، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۳ق.
۱۴. بستانی قاسم و علیرضا خنشا، «**اعتبارسنجی و ارزش گذاری دعای ولایه امر در ادعیه ماه رجب**»، مطالعات فهم حدیث، ش ۱۳، ص ۸۵-۱۰۷، ۱۳۹۹.
۱۵. بیهقی، احمد بن حسین، **دلائل النبوة ومعرفة أحوال صاحب الشریعه**، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق.
۱۶. پاکتچی، احمد، **نقد متن**، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۱.
۱۷. تکفلاح راهین و دیگران، «**اعتبارسنجی روایات کتاب مصباح المتعبد و سلاح المتعبد**»، پژوهش نامه امامیه، ش ۱۲، ص ۸۰-۱۰۸، ۱۳۹۹.
۱۸. جاحظ، عمرو بن بحر، **البيان والتبيين**، مصر، المکتبه التجاریه الکبری، ۱۹۲۶م.
۱۹. چهارسوقی، محمد هاشم بن زین العابدین، «**رسالة فی تحقیق حال کتاب فقه الرضا علیه السلام**» میراث حدیث شیعه، دفتر هفتم، قم، دار الحدیث، ۱۳۸۰.
۲۰. حسن زاده آملی، حسن، **نور علی نور در ذکر و ذاکر و مذکور**، قم، نشر تشیع، ۱۳۹۰.
۲۱. حمیری، عبدالله بن جعفر، **قرب الإسناد**، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۳ق.
۲۲. دوستان، رضا، «**تحلیلی بر خشکسالی های ایران در نیم قرن گذشته**»، پژوهش های اقلیم شناسی، ش ۲۳، ص ۱-۱۸، ۱۳۹۴.
۲۳. راوندی، فضل الله، **النوادر**، قم، دار الکتب، بی تا.
۲۴. زمخشری، محمود بن عمر، **الفائق فی غریب الحدیث**، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
۲۵. شیخ صدوق، محمد بن علی، **من لایحضره الفقیه**، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
۲۶. شیخ طوسی، محمد بن حسن، **الأمالی**، قم، دار الثقافه، ۱۴۱۴ق.
۲۷. _____، **تهذیب الأحکام**، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.

۲۸. _____، فهرست کتب الشیعه، قم، مکتبه المحقق الطباطبائی، ۱۴۲۰ق.
۲۹. _____، مصباح المتجهّد و سلاح المتعبّد، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۱ق.
۳۰. شیخ مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۳۱. _____، الأمالی، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۳۲. طباطبائی، سید محمدکاظم، منطق فهم حدیث، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰.
۳۳. طبرانی، سلیمان بن احمد، الأحادیث الطوال، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق.
۳۴. _____، الدعاء، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۳ق.
۳۵. _____، المعجم الأوسط، بیروت، دار الحرمین للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۵ق.
۳۶. عاصمی، احمد بن محمد، العسل المصفی من تهذیب زین الفتی فی شرح سورة هل أتى، قم، مجمع إحياء الثقافة الإسلامیه، ۱۴۱۸ق.
۳۷. عباسی زنجانی، موسی، الجامع فی الرجال، قم، مؤسسه ولی العصر للدراسات الاسلامیه، ۱۴۳۶ق.
۳۸. عبد الوهاب، حسین، عیون المعجزات، قم، مکتبه الداوری، بی تا.
۳۹. علامه حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال فی معرفه الرجال، قم، نشر الفقاهه، ۱۴۱۷ق.
۴۰. غفوری نژاد، محمد، «متن کاوی، اعتبارسنجی و دلالت پژوهی روایات دعای یا من ارجوه لكل خیر»، علوم حدیث، ش ۹۹، ص ۵۰-۶۷، ۱۴۰۰.
۴۱. غلامعلی، احمد، «اعتبارسنجی الصحیفه السجادیه»، علوم حدیث، ش ۶۹، ص ۳۲-۵۸، ۱۳۹۲.
۴۲. غلامعلی، مهدی، سندشناسی؛ رجال کاربرد ی با شیوه بررسی اسناد روایات، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۵.
۴۳. قیومی اصفهانی، جواد، موسوعه الأدعیه، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۶.

۴۴. کفعمی، ابراهیم، **جنة الأمان الواقیه (المصباح)**، قم، دار الرضی، ۱۴۰۵ق.
۴۵. کلینی، محمد بن یعقوب، **کافی**، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۴۶. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۴۷. مجلسی، محمدتقی، **لوامع صاحبقرانی**، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۴ق.
۴۸. محدث نوری، حسین، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، قم، مؤسسه آل‌البيت، ۱۴۰۸ق.
۴۹. محمدی ری‌شهری، محمد، **کنز الدعاء**، قم، دار الحديث، ۱۴۳۴ق.
۵۰. مزی، یوسف، **تهذیب الکمال فی اسماء الرجال**، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ق.
۵۱. معارف، مجید و شفیعی، سعید، **درآمدی بر مطالعات حدیثی در دوران معاصر**، تهران، سمت، ۱۳۹۴.
۵۲. معارف، مجید، **دانشنامه جهان اسلام «تخریج»**، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۹۳.
۵۳. موسوی خمینی، روح‌الله، **صحیفه امام**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸.
- ۵۴.
۵۵. موسوی، سید محسن، **«اعتبارسنجی دعای عدیله»**، مطالعات قرآن و حدیث، ش ۲۸، ص ۳۳-۵۲، ۱۴۰۰.
۵۶. نجاشی، احمد بن علی، **فهرست اسماء مصنفی الشیعه**، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.
۵۷. نسائی، احمد بن علی، **الضعفاء و المتروکین**، بیروت، دار المعرفة للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۰۶ق.